

مورخ ۲۱ آپریل ۱۹۱۲ در کلیسای یونیورسالیست در واشنگتن: درباره لزوم ترک تقلید و تحری حقیقت به جهت حصول اتحاد

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



ORIGINAL



AUDIO

مورخ ۲۱ آپریل ۱۹۱۲ در کلیسای یونیورسالیست^۱ در واشنگتن:

درباره لزوم ترک تقلید و تحری حقیقت به جهت حصول اتحاد^۲

(خطابات جلد دوم، ص. ۳۳-۳۹)

هُوَاللّٰهُ

آنچه قسّیس فرمودند دلیل بر حُسن اخلاق و خدمت بعالم انسانی است، شایان ستایش است و سزاوار تحسین. زیرا مخالف تعصّبات طبیعیّه است که شش هزار سال است این تعصّبات عالم انسانی را زیر و زبر نموده، چه قدر محاربات واقع شده، چه قدر منازعات وقوع یافته، چه عداوتها که میان بشر پیدا شده. این عصر چون عصر ظهور حقیقت است، الحمد لله افکار متوجّه حقیقت است و نفوس مستعدّ وحدت عالم انسانی. دریای حقیقت در موج است و سراب تقلید روز به روز در اضمحلال.

ادیان موجوده اساس واحد بوده و آن اساس حقیقت است و سبب الفت و محبّت بشر و علّت ترقّی نوع انسان است. لکن بعد از هر یک از مظاهر الهیه کم کم آن نور حقیقت پنهان شد ظلّات اوهام و تقلید به میان آمد عالم بشر گرفتار آن ظلّات گشت روز به روز عداوت شدید شد تا بدرجه ای رسید که هر ملّتی دشمن ملّت دیگر شد، به شأنی که اگر موانع سیاسی نبود، همدیگر را به کلّی معدوم و مضمحل میکردند. حالا دیگر بس باید تحری حقیقت کنیم، از این اوهام بگذریم الحمد لله کلّ بندگان یک خداوندیم جمیع در ظلّ عنایت او هستیم مشمول الطاف اوئیم خدا به جمیع مهربان است، ما چرا نا مهربان باشیم؟ خدا با جمیع صلح است، ما چرا در

¹ Universalist Church

² خطابه در کلیسای یونیورسالیست در واشنگتن در ۲۱ آپریل ۱۹۱۲ (۴ جمادی الاول ۱۳۳۰)

جنگ باشیم؟ نهایت بعضی نادانند، باید تعلیم نمود؛ اطفالند باید تربیت کرد علیل و مریض اند، باید معالجه نمود. علیل را نباید مبعوض شمرد، طفل را نباید بد گفت، باید در چاره و علاج کوشید. جمیع انبیا به جهت تربیت آمدند تا نفوس غیر بالغه را به بلوغ رسانند و الفت و محبت بین جنس بشر اندازند نه بغض و عدوات. زیرا خدا از برای بندگانش خیر خواسته، نه شرّ هر کس برای بندگان او شرّ خواهد، مخالف خداست و بر مسلک الهی نیست، بلکه بر مسلک شیطانست چه که صفت الهی رحمت است و صفت شیطانی صفت نقت. هر کس با بندگان مهربان باشد، متابعت خدا نموده و هر شخص با بندگان نا مهربان مخالفت خدا کرده زیرا خدا رحمت محض است محبت صرف است و شیطان بغض محض است و عدوات صرف. پس بدانید در هر محفلی محبت است آن محفل محفل رحمن است و هر جا عداوتست، و سوسه شیطان است. انبیای الهی به جهت آن آمدند که نفوس مظاهر رحمن باشند و در قلوب محبت و وداد اندازند، چه که حیوان اسیر طبیعت است و بمقتضای طبیعت حرکت می نماید و ملاحظه خیر و شرّ ندارد و اما انبیا به جهت تعلیم خیر آمدند، نه شرّ تا نفوس به مقتضای عدل و انصاف حرکت کنند نه به مقتضای طبیعت. هر امری که موافق عدل و عقل است مجری دارند و لو مخالف طبیعت باشد و آنچه منافی عقل و انصاف است متروک شمارند، و لو موافق طبیعت باشد.

پس انسان باید متابعت رحمانیت الهی کند. اما نفوس ناقصه تابع طبیعتند هر قسم میل طبیعت باشد، مجری می دارند. اسیر جسمانیاتند، از فیوضات روحانیّه خبر ندارند. زیرا در انسان دو جنبه است جنبه رحمانی و جنبه حیوانی. جنبه رحمانی صلح و صفاست و محبت و وفا، اما جنبه حیوانی نزاع و جدال است و حرب و قتال. اگر در انسان جنبه حیوانی غلبه کند، اضلّ از حیوان است؛ اگر جنبه الهی غالب شود ملائکه یزدان است. تعالیم انبیا به جهت این بوده که جنبه حیوانی مغلوب شود تا نفوسی که اسیر طبیعتند نجات یابند و جنبه آسمانی غلبه نماید. و آن جنبه الهی عبارت از فیض روح القدس است، عبارت از تولّد ثانی است. هر کس دارای آن جنبه باشد، خیر خواه عموم است، به جمیع خلق مهربانست، با هیچ مذهبی عداوت ندارد و از هیچ دینی تزیف نکند، زیرا اساس ادیان الهی یکی است. اگر به آن اساس رجوع نمائیم، متحد شویم، اما اگر به تقالید رجوع کنیم مختلف شویم. زیرا تقالید مختلف است و اساس ادیان الهی واحد تقالید سبب اختلاف و کلفت است و اساس ادیان الهی باعث اتحاد و الفت.

باری حضرت مسیح می فرماید وقتی که آن روح حق می آید، تمام حق را به جهت شما می گوید و باز می فرماید امور بسیاری هست که حال شما استعداد شنیدن آنها را ندارید اما چون آن روح حق آید از برای شما تمام را بیان خواهد کرد. حال قرنی است که آن روح الهی ناطق شد و تمام حق را ظاهر نمود. حقیقت دین مسیح را بیان کرد، خلق را از اوهام برهاند نابنیاد جهل و عداوت بر باد شود و اساس محبت تأسیس یابد. ما باید به جان و دل بکوشیم تا این عداوت و بغضا محو شود و این جدال و قتال به کلی زائل گردد و نصیحت روح القدس این است که بر قدم مسیح مثنی و سلوک نمائیم، انجیل را بخوانیم ببینیم که حضرت مسیح محبت محض بود، حتی در باره قاتلین بالای صلیب دعا فرمود که خدایا از اینها در گذر، زیرا نمی دانند نادانند اگر

می دانستند چنین نمی کردند. ببینید مظاهر الهیه چه قدر مهربانند که بر صلیب طلب مغفرت قاتلان می فرمایند. پس ما باید متابعت مظاهر الهیه کنیم بر مسلک انبیا مثنی و سلوک نمائیم و از ظلمت تقالید بگذریم.

از شما ها سؤال می کنم آیا خدا ما را برای محبت آفرید یا برای عداوت؟ یقین است به جهت الفت و محبت خلق فرموده. پس ما باید ملتفت باشیم، زیرا نفوسی را منافع شخصی و امیدارد که از حق چشم پوشند آنها غیر از مقصد شخصی نخواهند و جز در ظلمت اغراض سیر ننمایند. ملاحظه نمائید که چون حضرت مسیح ظاهر شد چه قدر نا ملائمت دید؛ با وجود این عاقبت اقوام مختلفه و احزاب متنوعه را جمع فرمود اقوام رومیان و یونانیان و سریانیان و مصریان همه در نهایت عداوت بودند، حضرت مسیح به نفثات روح القدس جمع را متحد فرمود، الفت بین قلوب انداخت اختلاف بر طرف شد نزاع و جدال از میان رفت در ظل مسیح کل در نهایت صلح زندگانی نمودند. آیا این که اطاعت مسیح کردند بهتر بود یا اگر اطاعت شیطان و عداوت و طغیان می نمودند؟ حال امید است که ملل و امم شرق و غرب در این قرن مبارک حضرت بهاء الله به نفثات روح القدس زنده شوند و جمع متحد گردند، کل متابعت اساس ادیان الهی کنند و آن حقیقت واحد است اختلاف و تعدد قبول ننمایند. وقتی که کل تحرّی حقیقت کنند، متحد شوند، وحدت عالم انسانی جلوه نماید، صلح اکبر ظاهر شود. باری در حق شما ها دعا میکنم که:

ای پروردگار این جمع محض محبت باین محفل آمدند و با کمال حبّ و وفاق حاضر شدند. خدایا، رویها را منور کن ارواح را به بشارت کبری مستبشر فرما و چشمها را به مشاهده آیات هدی روشن کن و گوش ها را به استماع ندای احلی ملتذ نما. پروردگارا، خطا کاریم، تو مغفرت کن. گنه کاریم، تو عفو فرما. در پناه خود پناه ده. نقصان را به غفران خود کامل کن. این نفوس را از عالم اوهام برهان و به حقیقت دلالت نما تا تحرّی حقیقت کنند، از عالم ناسوت دور شوند و به عالم ملکوت نزدیک گردند، از جهان ظلمانی به فضای نورانی در آیند از ظلمات امکان برهان، بانوار لامکان منور فرما مظاهر انوار کن و مطالع آثار نما از غیر خود بیزار فرما مطلع بر اسرار کن. ای پروردگار، تو آمرزگاری و دانا، تو بخشنده ای و توانا و تویی قادر و بینا.

